

## روانشناسی و تاثیر تفاوت های فردی در میزان موفقیت افراد

موسی باقری فر<sup>۱</sup>، کلثوم ابراهیمی شاهروdi<sup>۲</sup>، محمد ابراهیم زاده پودینه<sup>۳</sup>، زهرا فنودی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشگاه سیستان و بلوچستان، کارشناسی ارشد علوم تربیتی (گرایش روان شناسی تربیتی)

<sup>۲</sup> دانشگاه سیستان و بلوچستان کارشناسی علوم تربیتی (گرایش آموزش و پرورش)

<sup>۳</sup> دانشگاه سیستان و بلوچستان کارشناسی علوم تربیتی (گرایش آموزش و پرورش)

<sup>۴</sup> دانشگاه سیستان و بلوچستان کارشناسی علوم تربیتی (گرایش آموزش و پرورش)

نام نویسنده مسئول:

موسی باقری فر

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی برخی تفاوت های فردی افراد مختلف جامعه از لحاظ جسمی، وضع ظاهری، هوش، استعدادها، شخصیت، علایق و انگیزش، به علاوه، ممکن است افراد از نظر میزان آموزش قبلی، نوع آموزش و پرورش، میزان آشنایی، صلاحیت شغلی یا تحصیلی نیز متفاوت باشند. و عوامل مهمی در تعیین این تفاوتها نقش دارند که در این مقاله سعی شده است به طور مختصر به واژه های مطرح و کاربردی رایج در جامعه پیردازم. تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است و به صورت توصیفی، تحلیلی انجام گرفته است.

**واژگان کلیدی:** تفاوت های فردی، استعداد، هوش، آموزش و پرورش

## مقدمه

از آن جاکه روانشناسان عمدتاً "روانشناسی راعلم مطالعه رفتارمی دانند، یعنی تاکیدبر عینیت، دقت، اندازه گیری، سنجش و آزمایش است . مشکل اساسی در این تعریف، ممکن است تفاوت‌های فردی به آسانی از نظر در بماند . وجود ارتباط بین توانایی‌های ذهنی و نتایج کا، با رها مورد تحقیق گرفته و به تاییدرسیده است . مثلاً "تحقیقی که در مرور کارمندان ادارات انجام گرفته" ، نشان داده است که بین هوش و دشواری کارابطه معنی داری وجود دارد . بدین ترتیب که افراد باهوش، روی هم رفته، مشاغل مشکل را شغال می‌کنند . با گذشت زمان، فرد تمايل پیدا می‌کند درجه‌تی پیش برود که با استعدادهای او هماهنگی دارد .<sup>۱/۱</sup> شاید نتوان دونفریداً که از هر لحظه شبیه هم باشند . از بد و خلقت تا حالا، افراد درشت وریز، قوی وضعیف، باهوش و کم هوش، باذوق و بی ذوق جسور و ترسو، وجود داشته اند و باز هم وجود خواهد داشت، برخی به کوہنوری علاقه مندند، بعضی اهل سیاست، بعضی عاشق ریاست، برخی اهل رزم و برخی اهل بزم . عده ای از شنیدن حتی یک بیت شعریه وجود می‌آیند، عده ای دیگر واکنشی نشان نمی‌دهند .

تفاوت‌های فردی در کلیه زمینه های دادیده می‌شود . همه به خوبی می‌دانند که تفاوت‌های چشمگیری از نظر کار و رفتار بین افراد وجود دارد؛ حتی آنها به راحتی متوجه می‌شوند، افرادی که کارمعینی را یادمی گیرند یا افرادی که باماشین یکسانی کارمی کنند، از نظر بازده تفاوت‌های آشکاری را نشان می‌دهند . در طول تاریخ، آدمی اشتیاق و افریبه آگاهی و شناخت به اختلافات موجود بین افراد بوده است . با این وجود حدودی که قرن واندی است که روش های علمی و تجربی اندازه گیری تفاوت‌های فردی معمول و متداول گشته است . احتمالاً "یکی از لذایل مطالعه استعداد و تفاوت‌های دیگر، شناخت انسانی است که خود مسبب تمامی مشکلات و بحرانهایی که در قرن بیست و یکم گریبانش را گرفته، از جمله مسایلی مانند و حشمت از جنگ هسته ای، آلودگی محیط زیست، سواستفاده از داروها، جنایت، تروریسم، گرسنگی و بیماریهای روانی است . شاید درک بهتر از ماهیت انسان راهی را برای حل این مشکلات در پیش روی مقرار دهد . درک صحیح از خود دیگران، مارابرای سازگاری با مسائل جدید زندگی آماده می‌کند . اهمیت این سازگاری حتی از تولید سلاح‌های جدید و پیشرفت‌های فنی و یا کسب بالاترین معیارهای زندگی بیشتر است . تاریخ به کرات نشان داده است که هرگاه دستاوردهای علمی در دست انسان های آزمند، ترسو، بدین قرار گرفته، نتایج فاجعه‌آمیزی به با آورده است . لذا چون برآورده شدن بزرگترین امید و آرزوی انسان در گروشناخت بیشتر و از خود است، مطالعه استعداد و تفاوت‌های فردی آدمی می‌تواند عدمده ترین تلاش روان شناسی محسوب شود .<sup>۲/۲</sup> این تفاوت‌های اهمیت بینیادی در موقیت‌های تحقیلی یا شغلی دارند، زیرا نجام دادن کار و رفتار فرد را مستقیماً "تعیین می‌کنند . دانش آموزی رامی بینیم که مثلاً" در رشته ریاضی موفقیت چشمگیری را کسب می‌کند، دانش آموز دیگری رامی بینیم که در همان رشته، تنهایم تواند گلیم خود را آب ببرون بکشدو دانش آموز سومی رامی بینیم که، به رغم تلاش خود دیگران، به کلی شکست می‌خورد . در مرور کارگران یک کارخانه نیز وضع به همین منوال است . ماشین یکسانی در اختیار سه کارگر قرار می‌دهند، یکی تولید بالای را نشان می‌دهد، دیگری کار متوسطی را رایه می‌دهد و آن یکی دیگر موقیتی به دست نمی‌آورد . اگر فرات اول هر دو گروه را در نظر بگیریم و به احتمال خیلی زیاد از تحصیل یا از کار رضایت کامل خواهد داشت، نفرات دوم، تحصیل یا کار را یکنواخت احساس خواهد کرد و احتمالاً "به ستوه خواهند آمد" نونهای سوم کاملاً "عاجز خواهند ماند" بود که ریاضیات یا کار ماشین مورد نظر را خارج از توانایی خود تلقی خواهد کرد . تفاوت‌های فردی تنها در نتایج کارت‌چلی نمی‌کند، بلکه در روابط افراد با همکاران، دوستان، روسای ادارات، روسای کارخانه‌ها و وزیرستان نیز آشکار می‌شود و مسلماً "رضایت یا عدم رضایت فردی از اطرافیان را فراهم می‌آورد .<sup>۳/۳</sup>

نتایج تا سف باربعضی از کارگران، کارمندان و دانش آموزان، مسولان کارخانه‌ها، ادارات و آموزش و پرورش را وارد کرده است . تاقدامات بهتری را در جهت بهبود وضع انتخاب افراد را هنمایی های مجدد آنها ت渣ذ کنند . البته لازم است این اقدامات قبل از اشتغال افراد به یک رشته تحصیلی یا به یک شغل معین انجام گیرد تا از بروز عوایق و خیم جلوگیری شود . بدیهی است که تنها راه جلوگیری از این ضایعات، توجه دقیق به تفاوت‌های فردی است . آگاهی از تفاوت‌های فردی می‌تواند ماردر حل بسیاری از دشواری ها یاری دهد . وقتی قبول کردیم که انسانها از نظر توانایی های ذاتی و اکتسابی تفاوت دارند، در پی این نخواهیم بود که از همه رفتارهای یکسانی را انتظار داشته باشیم . وقتی پذیرفتیم که گذشته انسان‌ها متفاوت و در نتیجه نگرشها و علائق آنها به گونه ای دیگر است، هرگز در پی این نخواهیم بود که رفتارهای یکسانی را در آنها مشاهده کنیم .<sup>۴/۴</sup>

## اهداف تحقیق

۱- علل تفاوت‌های فردی بین افراد از جانشات می‌گیرد؟- بین یک گروه با گروه دیگر چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

## پیشینه‌ی تحقیق

می‌توان پذیرفت که آگاهی از وجود تفاوت‌های فردی بین انسان‌ها، چه کودکان و بزرگسالان، به اندازه خلقت انسان قدمت دارد . زمانی که انسان هادر غارهای اجنگل ها زندگی می‌کردد و دوقتی به هم می‌رسیدند بلطف اصله زورو بازوی یکدیگر را تخمین می‌زنند اگر طرف مقابل راضی‌غیرتی

یافتندوفرا" طعمه اش را می گرفتندوبرعکس، اگردرمی یافتنده که حریف پنجه پر زور تراز آنها دارد، به اصلاح امروزی، پیش خودمی گفتند: بالین نمی شودشوحی کرد. وفورا" از سرراحت کنارمی کشیدند اگر تاریخ را ورق بزنیم، در هیچ دوره ای نخواهیم دید که انسانها، خواه به صورت رسمی و خواه به صورت غیررسمی، اعضای خود را گروه بندی نکنند و برازی های خاصی قایل نشوند. مثلا" قوم آریایی ایرانی، یعنی اجداد قدیمی ما، که در حدود هشت قرن قبل از میلاد، برای سرمیں تسلط داشتند به سه گروه (جنگاوران، بزرگران، مغان) تقسیم می شدند و هر کدام وظایف متفاوتی داشتند. وقتی ادبیات کهن و واقع‌آغازی سرمیں خود را مورمی کنیم، بازمی بینیم که موضوع تفاوت‌های فردی در هر دوره ای موردنویج بوده است. هر کاری را به هر کسی نمی دادند و از همه کس نیز انتظارات یکسانی نداشتند. ملوی عارف نامی قرن هفتم هجری، سعدی بزرگترین نویسنده و گوینده قرن هفتم هجری شعرها و سخنانشان مولیدان جمله می باشد که: تربیت یکسان و طبیع مختلف.<sup>۱/۵</sup>.

در سایر سرمیں ها نیز وضع به همین منوال بوده است. بقراط<sup>۱</sup> حکیم یونانی، که بین سال های ۴۶۰ تا ۳۷۷ قبل از میلاد زندگی می کرد، معتقد بود که انسانه، بر حسب این که کدام یک از مزاجهای بار آن تسلط داشته باشد؛ به گروههای سودایی، صفرایی، دموی و بلغمی تقسیم می شوند. افلاطون، فیلسوف یونانی، در کتاب جمهوریت خود، که در آن اصول کشورداری، نظام اساسی کشور، شکل حکومت، شرایط حقوق و زندگی را مردمی بحث قرار می دهد، مردم را لحاظ استعداده سه گروه تقسیم می کند. در این تقسیم بندی، گروه اول به طلاقشیبه می شوند که می توانند زمام امور را به دست گیرند. گروه دوم به نظره تشیبه می شوند که باید دستیاران گروه رهبری باشند. گروه سوم به ترکیبی از مس و آهن تشیبه می شوند که تواند مردم را تشکیل می دهد. به علاوه، افلاطون آن توصیه می کند که حکومت باید در مردم هر فرد به شیوه‌ی مختلف و بر اساس طبیعت او عمل کند.<sup>۲/۳</sup>. تفاوت‌های فردی برای اولین بار برابریک تصادف جالب، توسط علم نجوم اندازه گیری شد. در سال ۱۷۹۶ استاره شناسی به نام ماسکلین<sup>۳</sup>، همکار خود کینربروک را به این دلیل که مشاهدات اوروپی حرکات ستارگان یک ثانیه اختلاف داشت، اخراج کرد. در سال ۱۸۱۶<sup>۴</sup> که او نیز استاره شناس بود، از ماجراهای کینربروک مطلع شد و به کشف آن علاقه نشان داد. تحقیقات او بعداز مدتی به این نتیجه رسید که معمولاً در مشاهدات افراد، اختلافاتی وجود دارد. کاتل<sup>۵</sup> آمریکایی اولین تحقیق علمی درباره سرعت عکس العمل را انجام داده است، وی تحقیق مذکور را علاوه بر مخالفت و نوشت ادامه داد و همین علاقه سبب تحقیق و اندازه گیری اختلافات فردی در زمینه های دیگر، از جمله هوش شد.<sup>۶/۲</sup>.

### یافته های تحقیق

تفاوت‌های فردی جنبه کمی دارند که کیفی و در میان افراد مختلف دارای شدت و ضعف می باشد.<sup>۶/۱</sup> استعداد<sup>۶</sup> یعنی آمادگی طبیعی یا اکتسابی برای انجام دادن بعضی کارهای نایه گفته ادوارد کلایپارد<sup>۷</sup> روان شناس سویسی، وقتی افراد را در شرایط یکسان آموزشی قرار می دهیم، بین آنها از نظر بیازده تفاوت‌هایی می بینیم، عامل این تفاوت‌ها را استعداد مدی نامیم. دکتر آلفرد بینه هوش را چنین تعریف می نماید: هوش چیزی است که تست من اندازه می گیرد. هوش یعنی توانایی حل مسائل؛ قدرت سازگاری با موقعیت تازه (گنجی،<sup>۸</sup> ۱۳۸۰) در کتاب اصول روان شناسی (مان) نیز تعریفی آنده است که: استعداد از میزان نسبی پیشرفت استنباط می کنیم. اگر برای کسب یک مهارت، فرصت‌های یکسان و مشابهی به افراد دیده هیم، خواهیم دید که از نظر سهولت کسب آن بایکدیگر متفاوت هستند. کلاههون و همکاران (۱۹۵۳) نقل می کنند که: هر انسانی از بعضی جنبه های مشابه همه ای انسانهای دیگر است، شبیه بعضی از انسانهای دیگر است و شبیه هیچ انسان دیگری نیست.<sup>۹/۱</sup> روش تطبیقی آبرت بینه<sup>۱۰</sup>، اورادر جهت توسعه‌ی مطالعه تفاوت‌های فردی، مخصوصاً "تفاوت‌های فردی کودکان سوق داد. می توان گفت؛ بینه دقیقاً" در زمینه روان شناسی تفاوت‌های فردی قدم برداشته است.<sup>۱۱/۳</sup>.

### در مطالعه تفاوت‌های فردی چه نکاتی رعایت شود.

محاسبه میانگین: تعیین میانگین یک سری نتیجه معمولاً<sup>۱۲</sup> اولین مرحله هر مطالعه افتراقی است. برای تعیین میانگین، اگر تعداد نمرات کم باشد، مستقیماً<sup>۱۳</sup> می توان حاصل جمع نمرات را بر تعداد آنها تقسیم کرد.

<sup>1</sup>. Hippocrate

<sup>2</sup>. Platon

<sup>3</sup>. Maskelyne

<sup>4</sup>. Bessel

<sup>5</sup>. Cattell

<sup>6</sup>. Disposition.

<sup>7</sup>. Edouard Claparede

<sup>8</sup>. A. Binet

محاسبه انحراف استاندارد: موقعیت یک نمره نسبت به میانگین، از طریق انحراف آن از میانگین معلوم می‌شود. انحراف استاندارد، پراکندگی نمرات را نشان می‌دهد. اگر انحراف استاندارد کوچک باشد مفهومش این است که، اعضای گروه از نظر ویژگی موردندازه گیری تفاوت‌های زیادی ندارند.<sup>1/2</sup>

محاسبه همبستگی: به ندرت اتفاق می‌افتد که تفاوت‌های مشاهده شده بین افراد، مستقیماً "مورداستفاده قرار گیرد. در اکثر موارد لازم می‌شود که این تفاوت‌ها با سایر تفاوت‌های ممکن وجود روابط یا همبستگی‌های معنی داربین تعداد زیادی از تفاوت‌های مشاهده شده مورد بررسی قرار گیرد.<sup>3/</sup>

### کمیت‌های تفاوت‌های فردی

درآموزش و پرورش غالباً سه اصطلاح اندازه گیری، آزمودن و سنجش<sup>4</sup> هم معنا بکار می‌روند. اما واقعیت این است که این سه در عین نزدیکی، این مفاهیم از یکدیگر متمایز هستند. اندازه گیری فرآیندیافاعیتی است که تعیین می‌کند یک شخص یا یک شیء چه مقدار از آن ویژگی را برخوردار است. در این تعریف اولاً ویژگی یا صفتی از یک شی یا یک شخص اندازه گیری می‌شود و ثانياً آن ویژگی یا صفت بصورت عددیارقام مشخص می‌گردد. فرآینداندازه گیری نیاز به وسیله‌ای دارد، متر و ترازو، ویژگی‌های فیزیکی رابه طور مستقیم اندازه می‌گیرند. علاوه بر ویژگی‌های فیزیکی، رفتارهای آشکارانیز می‌توان به طور مستقیم اندازه گیری کرد. مثلاً تعداد دفعاتی که دانش آموز در یک جلسه درسی صندلی اش را ترک می‌کند یا تعداد مسائل ریاضی را که درست حل می‌کند (محصول رفتار) می‌توان بطور مستقیم اندازه گرفت. برخلاف ویژگی‌های فیزیکی (جسمی) و رفتارهای آشکار که بطور مستقیم اندازه گیری می‌شوند، ویژگی‌های اوصافات روانی مانند هوش، خلاقیت، انگیزش، نگرش، یادگیری و همانند اینها را باید بطور غیرمستقیم اندازه گیری کرد. زیرا هیچ کس مستقیماً به این ویژگی هدسترسی ندارد. معمول ترین وسیله اندازه گیری ویژگی‌های اوصافات روانی آزمون است. هر زمان که برای اندازه گیری یکی از ویژگی‌های روانی یک فرد یا گروهی از افراد از آزمون استفاده می‌شود به این عمل یافعالیت آزمودن می‌گویند. بنابراین آزمون وسیله یاروشی نظامدار برای اندازه گیری نمونه‌ای از رفتار است. آنچاکه آزمون یک وسیله اندازه گیری است، هر وقت آزمودن صورت می‌پذیرد، یعنی آزمونی بکار می‌روند، نوعی اندازه گیری انجام می‌شود، اما هر نوع اندازه گیری‌ای‌ما "آزمودن نیست. اندازه گیری از آزمودن مفهوم گسترده‌تری دارد. زیرا ممکن است اندازه گیری صورت پذیرد اما آزمودنی در کاربناشدیاهمراه با آزمون وسیله دیگری نیز مورداستفاده قرار گیرد. مانند زمانی که یک روان شناس بالینی می‌کوشد تا زاره مصاحبه بایک فرد میزان افسردگی یا اضطراب اور اتعیین نماید. وقتی یک روان شناس پرورشی هم با مشاهده رفتارهای آشکار یک دانش آموز وهم باستفاده از یک آزمون هوش می‌کوشد تا شخصی دهد که آن دانش آموز عقب مانده ذهنی است یا نه. وقتی که اندازه گیری صرفًا باستفاده از آزمون انجام می‌شود آزمودن صورت می‌پذیرد. اما زمانی که در اندازه گیری بجای آزمون یا علاوه بر آن، وسایل دیگری به کار می‌روند به آن سنجش می‌گویند. بنابراین، سنجش نیز نوعی اندازه گیری است که مفهوم وسیعتری از آزمون دارد.<sup>5/2</sup>. در یک جمع بندی و به نگاه عامیانه، مردم اغلب به دوسته‌ای باستعداد ویژگی استعداد تقسیم و طبقه بندی می‌شوند. اگر هر کسی به اطراف خود نظری بیفکنده روز ب اختلافات کیفی فاحشی که بین افراد جامعه وجود دارد مواجه می‌شود. به هر حال در مشاهده دقیق تری تمام فرادرگونه های مشخصی قرار ندارند و اختلاف میان آنها از لحاظ درجات است. به این ترتیب استنباط می‌شود که تفاوت‌های فردی را بیشتر می‌توان کمی دانست تاکیفی آنچاکه تفاوت‌های فردی، جنبه کمی دارند، این سوال پیش می‌اید که درجات مختلف هر خصیصه ویژه چگونه در بین مردم توزیع شده است؟ آیا افراد در دسته هاوطبقات معینی گروه بندی شده اند؟<sup>6/</sup>.

### گروه‌های هوشی در جامعه

براساس نتایج، آزمون‌های هوشی، با استفاده از فنون گوناگون، به دست می‌آیند. رنگها و هایت به کمیتی می‌رسیم که بیانگر میزان هوشی افراد می‌باشد. این کمیت ضریب هوش است. روانشناسان افرادی را که دارای بهره هوشی بین ۱۰ تا ۹۰ می‌باشند و نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، طبیعی و نرمال گویند و تعدادی دیگر یعنی واحدین ضرایب هوشی کمتر از ۷۰ و بیش از ۱۳۰ را به ترتیب عقب مانده و پیشرفت‌هه ذهنی می‌نمند.<sup>7/6</sup>

<sup>9</sup>. Measurement

<sup>1</sup>. Testing

<sup>1</sup>. Assessment

0

1

## شیوه کاردرروان شناسی تفاوت های فردی

شیوه کاریه این نحواست که وقتی ویژگی یا صفتی، مانند هوش، انتخاب می شود و ابظه آن با متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار می گیرد. نخستین گام طراحی وسیله اندازه گیری برای نشان دادن تفاوت های افراد از نظر این ویژگی است. سپس می توان فرم معینی را بر اساس نمره ای که در ویژگی فوق به دست آورده است توصیف کرد. بنابراین، اگر مابخواهیم مصرف الكل را برچگونگی رانندگی بسته بیم، می توانیم افرادی را برگزینیم و آنان را به دو گروه تقسیم کنیم؛ به گروهی که گروه گواه می نامیم الكل ندهیم، امادر گروه آزمایشی به هرنفر چهار لیوان مشروب بخورانیم. نیم ساعت بعد آزمودنیه را پشت اتموبیل آزمایشگاهی بنشانیم و بینیم آیا بین دو گروه از نظر حجم رانندگی تفاوتی وجود دارد یا نه. می توان گفت الكل عملکرد اشخاص را هنگام رانندگی تحت تاثیر قرار می دهد. اما به طور معمولی در حوزه تفاوت های فردی انجام دادن تحقیقات به روش آزمایشگاهی میسر نیست، زیرا نمی توان ویژگی های فردی آزمودنیها، نظیر سن، شخصیت، هوش و طبقه اجتماعی را دستکاری کرد. هر آزمودنی ویژگی های خاصی را با خود نزد روانشناس می آورد. آزمایشگر فقط می تواند آنها را مشاهده و اندازه گیری کند، ولی امکان دستکاری در آنها را ندارد. به همین سبب، در تحقیقات مربوط به تفاوت های فردی، طرح هایی همبستگی را به کار می بینیم، ولی بدون به دست آوردن شواهد دیگر نمی توانیم وجود رابطه علت و معلوی را استنباط کنیم. پژوهشکرانی که هنگام تحقیق درباره تفاوت های فردی توجه خود را به روشهای همبستگی متوجه کنمی کنند. با این خطر موافقه اند که یگانگی فرد را نادیده بگیرند. /۱/

## تفاوت های گروهی

بررسی تفاوت های فردی بدین معنی است که می توان افراد شبیه یکدیگر را گروه بندی کرد و تفاوت های بین آنها را مورد بررسی قرار داد. آشکارترین این تفاوت ها، تفاوت بین زنان و مردان است، اما برخی دیگر از تفاوت های گروهی، که توجه روانشناسان را به خود معطوف داشته است، تفاوت های نژادی و سنی است. /۲/.

## تفاوت های دوجنس

تفاوت های روانشناسی بین زنان و مردان همیشه برای مردم عادی جذاب بوده است، شاید به این دلیل که هریک از مابه یکی از این دو گروه تعلق داریم و بنابراین فوری به این موضوع علاقه نشان می دهیم. این مطلب برای روانشناسان نیز دارای جذابیت و اهمیت قابل توجه است. تایلر در کتاب «روانشناسی تفاوت های انسان» گفته است: «هیچ موضوعی در روانشناسی به این اندازه جذابیت همیشگی نداشته است» (تایلر، ۱۹۶۵). مکابی و جکلین (۱۹۷۵) در حدود ۲۰۰۰ کتاب و مقاله در این زمینه مورخ کرده اند. /۱/.

## توانایی های شناختی

هوش کلی بیان مهره هوش به زنان و مردان تا حدود زیادی مشابه است. در سال ۱۹۳۹ پژوهشگران «انجمن اسکاتلندي تحقیق درآموزش و پژوهش» یکی از بهترین تحقیقات را در این زمینه انجام دادند و طی آن یکی از بهترین نمونه های نمره های آزمون هوش را جمع آوری کردند. آنان شوهدي مبنی بر اینکه از لحاظ هوش کلی یک جنس بر جنس دیگر برتری داشته باشد نیافتند. تحقیقات نشان داده است که از سنین خردسالی دختران، در بیشتر جنبه های مربوط به عملکرد کلامی نسبت به پسران برتری دارند. دختران خردسال، قبل از آنکه قادر به سخنگویی باشند، نسبت به صحبت های بزرگسالان و اکنون بیشتری نشان می دهند. دختران به طور متوسط سخنگویی را در سنی پایینتر از پسران آغاز می کنند. واختلالات سخنگویی کمتری دارند. آنها خواندن را زود تراز پسران می آموزند، و تعداد پسرانی که از نظر خواندن دچار عقب ماندگی می شوند، دوبرابر دختران است. از نظر تووانایی های ریاضی، برتری مردان به عنوان یک قاعده کلی تلقی شده است. زنان در تووانایی های شناختی بر مردان برتری دارند. بیشتر تحقیقات حاکی از آن است که زنان در حافظه طوطی وار، یعنی در تکالیفی که مستلزم تکرار ارقام، کلمات یا شکال هندسی بدون کم وزیاد کردن آنهاست، قویترند. /۱/.

## پر خاشگری

در این حوزه برجسته ترین تفاوت بین دوجنس است. یافته های کلی نشان می دهد پسران و مردان پر خاشگرتر از دختران وزنان اند، و چنین یافته هایی با تصور عمومی در این مورد بسیار همانگ است. این تفوتها را از سالگی می توان مشاهده کرد که از همین سنین پسران نسبت

<sup>1</sup>. Tyler

2

<sup>1</sup>. Maccoby

3

<sup>1</sup>. Jacklin

4

به بازیهای خشن بیشتر از دختران علاقه نشان می دهد. در بزرگسالی، مردان به میزان قابل توجهی بیشتر از زنان مرتکب جنایت می شوند به نظر می رسد که این یافته هادر بسیاری از فرهنگ ها صادق است و صرفاً مختص یک فرهنگ نیست.<sup>۱/۱</sup>.

### همرنگی و واپستگی

همرنگی در بین زنان نسبت به مردان بیشتر است. دختران در سنین مهندکودک به یک بزرگسال مهربان از قبل پدر و مادر یا معلم تقریباً بیشتری دارند. در سنین هفت سالگی دختران درخانه به نسبت بیشتری اوقات خود را دور و بروال دین می گذرانند.<sup>۱/۱</sup>.

### ظهور روان‌شناسی تفاوتهای فردی

روان‌شناسی تفاوتهای فردی در طی قرون و اعصار شروع به شکل گیری کرد. در سال ۱۸۹۵، بینه و هنری، مقاله‌ای تحت عنوان (روان‌شناسی فردی) منتشر کردند که اولین تحلیل سیستماتیک، هدف‌ها و روش‌های روان‌شناسی تفاوتهای فردی را بیان می کرد. اولین عباراتی که بکار بردن داده‌کی بود از این که: مشکل است و هنوز در ابتدای راه هستیم. در سال ۱۹۰۰ میلادی اولین چاپ کتاب استرن<sup>۱</sup> در زمینه روان‌شناسی تفاوتهای فردی<sup>۱</sup> منتشر شده اند که بعدها کان شاخه‌های مختلف روان‌شناسی تفاوتهای فردی پی ریزی شد. مقارن با این پیشرفت‌ها همکاری علم انسان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نیز اضافه شدند. این دو علم بار وان‌شناسی تفاوتهای فردی امروز نقاشه اشتراک فراوانی دارند. در علوم آماری مهم ترین مفاهیمی که در روان‌شناسی تفاوتهای فردی کاربرد بیشتری دارد مربوط به مفاهیم همبستگی و معنی داربودن است.<sup>۱/۶</sup>.

### عوامل موثر در تفاوتهای فردی

وراثت: چرا فرد ادباهم تفاوت دارند؟ علت اصلی تفاوت افراد چیست؟ ریشه تفاوت های فردی رامی باشد در پیشینه ارشی فرد و با توجه به شرایط محیطی که در آن رشد یافته جستجو کرد. اول باید دید در اثاث و راثت هر فردی در زندهای به خصوصی است که در طول دوران بارداری (زندگی جنینی) ازوالدین خویش کسب کرده است. هر فرد زندگی خویش را از همان دوران جنینی به صورت یک موجود دیگر سلولی که همان تخم لقادیر یافته است آغاز می کند. این سلول تقسیم می شود به دو سلول و به همین طریق تقسیم ادامه دارد. طی فراین تقسیم سلولی که میتوانیم<sup>۷</sup> خوانده می شود هر کروزوم در هسته سلول بادونیم شدن از طول درمدت زمان مشخصی دو برابر می شود. هر سلولی که از این تقسیم پدیده می آیدیک سری کروموزوم یکسان دریافت می کند. به این ترتیب همه سلول های بدن از راثت یکسانی برخوردارند. وقتی که فرد از لحاظ جنسی بالغ می گردد در تشکیل سلولهای جنسی، یعنی اول در جنس ماده و اسپرم اتوژنیدر جنس نر، نوع متفاوتی از تقسیم سلولی صورت می گیرد. آن جائی که در این فرایند تعداد کروموزوم های موجود در هر سلول تناسلی به نصف کاهش می باید فرآیندمذکور به عنوان تقسیم سلولی یا میوسیس<sup>۸</sup> خوانده می شود. (سروری، ۱۳۷۴).

محیط: وقتی گفته می شود یک کودک محیط فقیری دارد منظور این است که آن کودک در یک محله پست زندگی می کند؛ نمی توان نتیجه گرفت که یک پسر اساله و برادر<sup>۱</sup> ساله اش که در یک اطلاق زندگی می کند، در هر لحظه از زمان دارای محیط یکسانی هستند. یعنی محیط هر کدام از آنها با توجه به شرایط سنتی فرق می کند و در نتیجه اثر آن بر روی هر کدام از برادرها متفاوت است که باعث بروز فتراره متفاوت در دو برادر می شود. اهمیت محیط پیش از تولد (رحم مادری) در تعیین رشد فردی مکررا<sup>۱</sup> به اثبات رسیده است. به عنوان مثال: تغییر در رژیم غذایی و تغذیه و ترکشات غدد دیگر شرایط فیزیکی مادر ممکن است اثر عمیق و مهمی بر رشد جنین داشته باشد. در نتیجه تعداد زیادی از تحریکات و نوسانات القائی (تغییرات مصنوعی) که در حیوانات پست آزمایشگاهی صورت گرفته به وضوح ثابت می شود که رشد ساختمانی و ساختاری فرد به طور قطع قبل از هر چیز تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می گیرد.<sup>۱/۲</sup>.

تحصیل: مربیان دریافته اند که عدم موفقیت های پسران با هوش در کلاس سوم آغاز می شود در صورتی که این مطلب در مورد دختران در کلاس نهم اتفاق می افتد. در صورتی که تحقیقات اخیر گفته اند که عدم موفقیت برای پسران از کلاس اول شروع شده و در صورتی که این پدیده برای دختران تا کلاس ششم وجود ندارد. متسافانه، دختران پس از کسب موفقیتهای تحصیلی اعتماد به نفس خود را در توانائیهای هوشی

<sup>1</sup>. Stern

۵

<sup>1</sup>. Die Differentielle Psychologie in Ihren Methodischen Grundlagen

۷

<sup>1</sup>. Mitosis

۸

<sup>1</sup>. Meiosis

ازدست می دهنده در حالی که پسران بر عکس عمل می کنند. تحقیقات گذشته مویدایین مطلب می باشد که نوجوانی بالغ موفقیت های تحصیلی وازدست دادن اعتمادبه نفس و تمایل به کارهای کلیشه ای زنانه همراه است.<sup>16/</sup>

جنس: دختران عموماً "از موفقیت های خودانتظارات کمتری دارند و علت آن رانقیصه های شخصی از قبیل محدودیت مهارت و هوش می دانند. بر عکس پسران علل شکست را عدم تلاش و کوشش کافی و بی اعوام خارجی می دانند. دختران همکاری رابر قابت ترجیح می دهند و این در مدارس مختلط به وضوح مشاهده می شود. موفقیت از نظر دختران شامل: محبوبیت، تناسب اندام، مهارت های اجتماعی و آمادگی برای ایفای نقش مادری در آینده است که اکثر تحقیقات مویدایین فرضیه است.<sup>16/</sup>

## بحث و نتیجه گیری

وقتی خانواده ای صاحب فرزندتازه ای می شود، اعضاء خانواده و سایر بستگان دونوع واکنش کاملاً "متفاوت نشان می دهند. بعض هاسعی می کنند در وجود نوزاد بخی از صفات اجداد اور اپیداکنندوبدین و سیله نقش توارث را تایید کنند. برخی دیگر دوست دارند بگویند که نوزاد صفات خاص خود را در دوبدین و سیله اهمیت محیط را نشان دهند. وقتی به نوشته های گذشتگان مراجعه می کنیم می بینیم که اکثر آنها به اهمیت محیط توارث در ایجاد تفاوت های فردی اشاره کرده اند. آگاهی از تفاوت های فردی می تواند مارادر حل بسیاری از دشواری های ایاری دهد. وقتی قبول کردیم که انسانها از نظر توائیهای ذاتی واکتسابی تفاوت دارند، در پی این نخواهیم بود که از همه رفتارهای یکسانی را منتظر داشته باشیم. وقتی پذیرفتیم که گذشته انسانها متفاوت و درنتیجه نگرشها و علایق آنها به گونه ای دیگر است، هرگز در بی این نخواهیم بود که رفتارهای یکسانی را در آنها مشاهده کنیم. انسانها از بدل خلقت می دانستند که بین آنها تفاوت هایی وجود دارد. موضوع تفاوت های فردی برای انسانهای قرون مختلف همیشه یک موضوع آشکار و بدیهی بوده است. در جوامع ابتدایی نیز افراد مشاغل مختلفی را عهده دارمی شدند. عده ای طبابت می کردند، عهده ای آذوقه تهیه می کردند، گروهی جان و مال مردم را حافظ می کردند، تعدادی به جادوگری می پرداختند. این تقسیم بندي هادر همه جوامع وجود داشته است. وقتی مانوشه ها را ورق می زنیم، اشعار و ضرب المثلها را در نظرمی گیریم یا تاریخ رامورمی کنیم، به راحتی در می یابیم که همیشه انسانها می دانستند که قابلیت های آنها متفاوت است. آنها هر کاری را به هر کسی نمی دادند. بسیاری از مردم فکرمی کنند که توانایی تشخیص دارند، بسیاری از معلمان تصویرمی کنند که دانش آموزان خود رامی شناسند، جای تردید وجود ندارد که همه ای ما از مقداری توانایی تشخیص برخورداریم، اما باید بدانیم که در این کار خطاهای نابخشودنی وجود دارد. بررسی ها نشان می دهد که انسانهای در شناختن حتی دوستانی که چند سالی با آنها به صورت شبانه روزی زندگی می کنند چار خطاطی شوند. با تجربه ترین داوران نیز نمی توانند، بدون استفاده از ابزارهای عینی، تخمینهای درستی به عمل آورند. تشخیص عقب ماندگی یا بهوشی کودکان، از روی عکس، فیلم و حتی قیافه نمی تواند به اندازه تشخیص آنها به کمک آزمونهای عینی صحت داشته باشد. بنابراین، برای تخمین ویژگی های انسانها و تعیین تفاوت های آنها، تنهایی که می تواند از میزان خطای ما بکاهد استفاده از روش های علمی است. اطلاع از تفاوت های فردی زمانی مفید خواهد بود که مابتوانیم براساس آنها تفاوت های افراد را در فعالیت های بعدی پیش بینی کنیم. بررسی و ارزیابی رفتاریک فرد به طور جامع مستلزم آگاهی از هر سه جنبه یعنی حیطه شباختها، تفاوت ها و یگانگی هاست. هر سه جنبه در روانشناسی تفاوت های فردی به نقطه مشترکی می رسند. تحقیقات نشان داده است که افراد رونگرادر در سه ای دانشگاهی بهتر از ادبی و نگرانه استند. در پایان سعی شده است در این مقاله چیزهایی مطرح شوند که جنبه کاربردی داشته باشد و در جامعه قابل استفاده باشد. در پایان این مقاله به این نتیجه می رسیم که نباید از همه انسانهای جامعه انتظار یکسانی داشته باشیم چرا که آیه شریفه «**لَا يَكُلُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا**»<sup>۱۹</sup> خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند. وسع در لغت به معنی گشايش و قدرت است، بنابراین مضمون آیه شریفه همان حقیقت عقلی را تأیید می کند که وظایف و تکالیف الهی هیچ گاه بالاتر از میزان قدرت و توانایی افراد نیست و لذا باید گفت تمام احکام با همین آیه تفسیر و تقيید می گردد و به مواردی که تحت قدرت انسان است اختصاص می یابد. بدیهی است یک قانون گذار حکیم و دادگر نمی تواند غیر از این قانون وضع نماید.

### منابع و مراجع

- [۱] کریمی، یوسف و فرهاد جمهوری؛ تفاوت‌های فردی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تابستان، تهران، ۱۳۷۱.
- [۲] وطن خواه، حمیدرضا؛ ابوالقاسمی، شهناام، روان‌شناسی هوش، انتشارات احسن، چاپ اول، پائیز، تهران، ۱۳۸۷.
- [۳] گنجی، حمزه؛ روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، انتشارات بعثت، چاپ دهم، تهران، زمستان ۱۳۸۰.
- [۴] خوانساری، محمد، منطق صوری، انتشارات آگاه، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۶.
- [۵] مجتبیی، جواد؛ تاریخ تمدن ایران، نوشه جمعی ازدانشوران ایران‌شناس اروپا، انتشارات کتابخانه گوتنبرگ، تهران، ۱۳۳۶.
- [۶] سروری، محمدحسین؛ روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.